

عقدی که صحیح آن ضمان آور نیست فاسد آن ضمان آور نخواهد بود

باین اولویت خدشه متوجه شده و حاصل آن اینست موجب صحت تصرف مرتین و مستاجر در عین و مؤثر در رفع ضمان صحت رهن و اجاره بوده پس اگر در اثر فساد رهن و اجاره موجبی برای صحت تصرف آنان در بین نباشد اولوبتی وجود نداشته و بحسب قاعده ضمان متحقق میشود اگر گفته شود اگرچه عقد فاسد موجب ضمان نیست لیکن ضمان در مورد عقد فاسد بحسب قاعده علی الید ثابت است زیرا فقط از عموم علی الید عقودیکه بحسب دلیل نسبت بموارد آن ضمان بر قاض نیست خارج شده و باقی از موارد عقود که منجمله مورد عقد فاسد است تحت عام

باقی مینماید

(جواب) دلیلی که موارد عقود صحیحه را (از قبیل عاریه - وکاله - مضاربه - رهن - هبه مجانی - و غیرها از عقود جائزه و لازمه) از عموم علی الید خارج کرده همان دلیل موارد عقود فاسده را هم از عموم مزبور خارج نموده دلیل - در کلیه مواردی که عنوان امانه را داراست عموم (من ستأمنه المالك علی ملک غیر ضامن) است و در مورد هبه مجانی فحوی آن دلیل بر عدم ضمان خواهد بود زیرا چنانچه ضمان بر کسی که ملک غیر را بطور امانت متصرف شده متوجه نباشد بطریق اولی بر کسی که ملک مجاناً باو منتقل شده متوجه نخواهد بود

محمد علی انشائی

دنباله شماره پیش

جرم افترا در قانون مجازات

با مخفی کردن آنها در منزل یا دکان یا مغازه یا جیب دیگری یا در اشیائیکه متعلق باوست انحصار دارد و بنا بر این اگر یکی از اشیاء مذکوره قرضاً در اطاق ترنی که دیگری با آن مسافرت میکند و اشیائی هم همراه ندارد گذارده شده باشد و کشف آن در آنجا بعلم و وقوع جرم در ترن موجب تعقیب مسافر مزبور گردد. پس از برائت او نمیتوان مخفی کننده آن شئی را بعنوان جرم مورد بحث تعقیب کرد. ولی از طرفی میتوان گفت چون قبل از احصاء نقاط مذکوره در همان ماده این عبارت (اشیائی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب انهم ...) مندرج است معلوم میشود منظور قانون گذار یافت شدن اشیاء مزبور در نزد هر کس بهر طریقی که بتوان گفت شئی در تصرف او بوده است میباشد و محل مذکور در ماده قید انحصاری ندارد بلکه از مصادیق برجسته در بیان تصرف دیگری نسبت بشئی است. پس باین قرار اگر یکی از اشیاء مظنونه طوری در اطاق ترن گذارده شده باشد که اطلاقی تصرف مسافر نسبت بآن بشود و موجب اتهام او گردد پس از برائت آن شخص اشکالی برای تعقیب گذارنده آن

۱ - گذاشتن اشیاء مظنونه در نزد دیگری

الف - ماده ۲۶۹ مکرر در قسمت الف اشیائی را که ما مظنونه نامیدیم بطور کلی شمرده که عبارت است از:

۱ - آلات و ادوات جرم

مانند حربه که برای ارتکاب قتل استعمال شده - منگنه که با آن سکه قالب تهیه شده کلید یا میخی که برای باز کردن در و قفل و ارتکاب سرقت ساخته شده و بکار رفته .

۲ = اشیاء حاصله از جرم

مثل مال مسروقه - اجناس غارت شده . اموالیکه از طریق کلاه برداری یا خیانت در امانت بدست آمده

۳ - اشیائیکه موجب اتهام میشود

مانند تریاک قاچاق - اموال ممنوع الورد - اسلحه

بدون جواز

بحسب ظاهر عبارت ماده گذاشتن این قبیل اشیاء

الف - این عنصر (قصد متهم اردن دیگری) در حقیقت همان قصد اضرار بغیر است که در اغلب جرائم در مرتکبین وجود دارد.

منتها در این جرم بصورت خاصی جلوه گر است ، بنا بر این اگر گذارنده شیئی دارای چنین قصدی نباشد ولو که منصرف آن شیئی که نزد او کشف شده تحت تعقیب جزائی در آید بعد از برائت نمیتواند تقاضای مجزات گذارنده شیئی را بشنماید و امثال آتیه الذکر بر روشنی مطلب کمک می نماید .

۱ - اگر شخصی شیئی را برای فرار خود از تعقیب در محل یا منزلی که تصور میکند خالی از سکنه است بگذارد در صورتیکه دیگری در آنجا ساکن باشد و بعلمت کشف شیئی تعقیب شود .

۲ - اگر سارق وجه یا مال مسروقه را برای سهولت در کار خود پس از ربودن از صاحب مال در جیب دیگری بگذارد و مقصودش این باشد که در موقع مناسبتری از جیب شخص ثانوی نیز برآید .

۳ - هرگاه کسی اشیاء ممنوعه یا قاچاق را بدون آنکه خود بغیر مجاز بودن آن آشنا باشد بتصور آنکه متعلق بشخص معینی است که آن را مفقود کرده در منزل او بگذارد .

ب - قصد مذکور باید برای متهم کردن دیگری بجنحه یا جنایت باشد . لذا قصد متهم کردن دیگری با هر خلاف بموجب ماده ۲۶۹ مکرر مستلزم تعقیب جزائی مرتکب نیست .

چگونه این قصد احراز میشود؟

اثبات این قصد بواسطه وقوع جرم جنحه یا جنایت در خارج و تعقیب بدوی شخصی که متهم بآن جرم شده بضمیمه تحقیقات حاصله معلوم میشود .

ممکن است با کشف شیئی نزد کسی آن شخص بعنوان شریک جرم یا معاون مجرم تعقیب شود در هر صورت گذارنده شیئی بموجب ماده ۲۶۹ مکرر پس از برائت شریک یا معاون قابل تعقیب است و نیز اگر کسی با گذارتن مقداری اشیاء منظونه در یک محل چند نفر را بکمر تبه مورد اتهام

شئی در اطاق موصوف در بین نخواهد بود معذک نمیتوان گفت که عبارت ماده خالی از انتقاد نیست :

ب - بی اطلاعی متهم بدوی

گذاشتن اشیاء سابق الذکر در نقاط مذکور در نزد دیگری باید بدون اطلاع او باشد چه در صورت مطلع بودن در بعض موارد بسته باختلاف اشیاء سمت معاونت یا شرکت در ارتکاب جرم بدوی و در موارد دیگر سمت مجرم اصلی را پیدا میکنند بر فرض حصول برائت جای اعمال ماده ۲۶۹ مکرر باقی نماند .

کلمه (بدون اطلاع) در ماده در محلی استعمال شده که موجب ابهام نیز میگردد و ممکن است گفت مقصود بی اطلاعی شخص از اصل واقعه جرم در خارج باشد چه ممکن است سارق مال مسروقه را با اطلاع دیگری در منزل او بگذارد ولی شخص مزبور مطلع از مسروقه بودن آن و وقوع جرم سرقت نباشد و کشف مال مذکور موجب تعقیب مشار الیه با اتهام سرقت گردد . ولی مسلماً نظر مقنن بهمان بی اطلاعی شخص از گذاشتن یا مخفی کردن شئی است و بنا بر این در مثال مفروض ظاهراً این اشکال موجود است که شخص بی اطلاع از جرم سرقت و مطلع از وجود مال در منزل خود پس از برائت نمیتواند گذارنده شیئی را بموجب ماده مورد بحث تعقیب نماید مگر آنکه در چنین موردی قائل بتفصیل شده بگوئیم :

راست است که در روزاول اشیاء مسروقه با اطلاع آن شخص در منزلش گذارده شده اما چون از مسروقه بودن شئی مطلع نبوده و در خود اشیاء نیز آزاری که بر مسروقه بودن آن دلالت نماید وجود نداشته مثل این است که آن اشیاء بدون اطلاع او در منزلش گذارده شده است .

۲ - قصد اضرار بغیر

(متهم کردن دیگری)

متهم باید بقصد متهم کردن دیگری به جنحه یا جنایت شئی را نزد او بگذارد یا مخفی کند .

و تعقیب قرار دهد. خود او (نظر بدلائلی که در بحث مربوطه باقرار کتبی گفته شد) فقط یک مرتبه قابل تعقیب جزائی بعد از برائت آنها خواهد بود ولی اگر اشیاء را تقسیم کرده و در منازل اشخاص مختلفه بگذارد مرتکب جرائم متعدده شده و پس از تبرئه آنها برای هر یک مرتبه گذاشتن آن اشیاء در محلی مستوجب مجازات است.

۳- وقوع جرم قبلی (تعقیب دیگری)

در قسمت الف ماده ۲۶۹ مکرر صریحاً ذکر کرده و وقوع جرم قبلی نشده بدین کیفیت: که باید برای تعقیب متهم بدوی حقیقه جرمی نیز واقع شده باشد و شاید بتوان تصور کرد اگر اشیاء مظنونه بدون آنکه برای ارتکاب جرم بکار رفته باشد در نزد کسی یافت شود و در ابتدای امر بدون توجه مأمورین صلاحیت دار آن شخص تعقیب و بالتسبیح به واسطه احراز عدم وقوع جرم تبرئه شود باز جرم مذکور در این ماده واقع و گذرانده شیئی قابل تعقیب است ولی قانوناً این تصور خطای محض است زیرا آلات و ادوات تا زمانیکه برای ارتکاب جرم بکار نرفته بآنها آلات و ادوات جرم اطلاق نمیشود و همچنین نسبت به اشیاء حاصله از جرم یا اشیاء موجب اتهام و از جهت ذکر این اشیاء و نیز عبارت (در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد) در ماده مزبور است که میگوئیم وقوع جرم قبلی باید مسلم باشد و تقسیمی هم که در ذیل همان آن ماده راجع بتفاوت مجازات برای قصد مجرم بمتهم کردن دیگری به (جنحه) و (جنایت) شده مؤید این معنی است و در غیر اینصورت، یعنی تعقیب شخصی که شیئی بظاهر مظنونی (کارد خونی) نزد او یافت شده ولی اصلاً جرم قتل یا جرحی واقع نشده ولو گذرانده شیئی مذکور قصد متهم کردن دیگری را داشته بی مورد است زیرا مأمورین کشف جرم و تعقیب مجرم تا مطمئن از وقوع جرم نشوند نباید ظاهراً کسی را مورد تعقیب قرار دهند و فرضاً بکسی مظنون شوند باید او را محرمانه تعقیب و عملیاتش را تحت نظر بگیرند تا زمانیکه وقوع جرم مسلم و دلائل ارتکاب را تا اندازه بدست آورند و بالاخره هرگاه مأمورین صلاحیتدار اشتهاً چنین شخصی را علناً مورد تعقیب قرار دهند پس از برائت او نمی توان گذرانده شیئی مظنون را

طبق ماده فوق الذکر مجازات کرد

۴- ثبوت برائت!

بر حسب ظاهر عبارت گذرانده شیئی مظنون بعد از ثبوت برائت متهمی که آن شیئی نزد او یافت شده قابل تعقیب است این عبارت بدو جهت قابل انتقاد است:

اولاً - استعمال کلمه (ثبوت) قبل از (برائت) بی مورد و برخلاف اصل است و این مطلب امروز حتی در نزد عوام نیز غیر قابل تردید است که برائت محتاج باثبات نیست و در این مورد چون موضوع بسیار روشن است لازم نیست بیش از این چیزی گفته شود که تمام رسیدگی ها و بازجوئی ها در مراحل مختلفه جزائی برای اثبات ارتکاب متهم بجرم منتسب است نه برای ثبوت برائت او (۳۲) ثانیاً - مقید کردن تعقیب گذرانده شیئی پس از ثبوت برائت دیگری که قبلاً بجرم اصلی تعقیب شده باتمام صوریکه این موضوع پیدا میکند منطبق نمیشود زیرا متهمی که در اثر رؤیت شیئی مظنون در نزد او تعقیب شده ممکن است:

۱- در حین جریان تعقیب خود دلائلی بدست آورد مبنی بر این که دیگری شیئی مظنونه را نزد او گذاشته است

۲- پس از برائت خود اعلام کند که شیئی مزبور را شخص دیگری در منزل او مخفی کرده است

در صورت اول مراجع صلاحیت دار تعقیب کننده متهم مذکور مکلف هستند بدلائل او که اثبات آن ممکن است منتهی به برائت مشار الیه گردد در همان حین تعقیب خود او رسیدگی نمایند و بنا بر این موقعی باقی نمی ماند که پس از ثبوت با حصول برائت اقدام به تعقیب گذرانده شیئی نمایند در صورت دوم حکم برائت متهم ممکن است بیکبار از جهات ذیل صادر شود

۱- دادگاه عمل منتسب بمتهم را که شیئی مظنون در نزد او یافت شده با فرض ثبوت جرم ندانسته باشد

۳۲- ماده ۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق نیز در دعوی متهمی که با آنها داشتن مال قاچاق از او جریمه گرفته شده و عرض حال برائت بمحکمه جنحه داده برائت را محتاج به ثبوت دانسته

۲ - در دادگاه محرز شود که مرتکب جرم متهم تعقیب شده نیست

۳ - دادگاه دلائل اقامه شده را کافی برای محکومیت متهم تعقیب شده نداند

بنا بر این و چون در امور جزائی (مجازاتی) باید بظ هر قانون عمل شود فقط در مورد ثانوی از صورت دوم که برائت متهم بدوی ثبت میشود میتوان گذارنده شیئی مظنون را نزد متهم مذکور تعقیب و مجازات کرد (۳۳)

حال باید دید اگر متهم که شیئی مظنون نزد او کشف و تعقیب شده محکومیت قطعی حاصل کرد و بعداً کشف شد که دیگری آن شیئی را در منزل او مخفی کرده بوده تکلیف چیست ؟

این وقعه ممکن است یکی از این دو صورت مواجه شود :

۱ - اگر گذارنده شیئی خود مرتکب اصلی جرمی باشد که شخص اول به اتهام ارتکاب آن جرم محکوم شده با تعقیب و محکومیت گذارنده شیئی بعلت ارتکاب جرم اصلی بی تقصیری محکوم ثبت است و از موارد اعاده محاکمه میباشد و پس از برائت او گذارنده شیئی باین اتهام نیز قابل تعقیب و مجازات است (۳۴)

۲ - هرگاه گذارنده شیئی شخصی غیر از مرتکب جرم اصلی باشد تعقیب او بجهت ارتکاب جرم موضوع ماده ۲۶۹ مکرر فوراً ممکن نخواهد بود زیرا تعقیب چنین کسی بموجب همان ماده باید پس از ثبوت برائت شخصی که بدو محکوم شده بعمل آید ولی در این مورد باز مرتکب واقعی جرم قابل تعقیب است و محکومیت او موجب اعاده محاکمه محکوم بدوی و برائت او خواهد بود سپس میتوان گذارنده شیئی را مجازات نمود.

۳۳ - شاید مقصود واقعی قانونگذار همین بوده که در سایر موارد برائت توان دیگری را بنام گذارنده شیئی مظنون تعقیب کرد و بهمین جهت برائت را محتاج باثبات دانسته ولی اتخاذ این نظر مخالف با اصل برائت است

۳۴ - مورد سوم ماده ۴۶۶ اصول محاکمات

جزائی

اگر مواعق قانونی (مرور زمان یا فوت مجرم) نسبت به تعقیب مجرم رافعی در بین باشد باز ممکن است بواسطه دست آمدن دلائلی مبنی بر ارتکاب گذارنده شیئی در نزد محکوم فعلی اعاده محاکمه محکوم مورد پیدا کند و پس از تجدید رسیدگی و برائت او آنوقت گذارنده شیئی قابل تعقیب است

قسمت سوم

مرور زمان

بطوریکه سابقاً گفته شد جرم افتراء از درجه جنحه است و بنا بر این مدت مرور زمان آن مطابق ماده قانون مجازات عمومی قبل از تعقیب و صدور حکم سه سال و بعد از صدور حکم قطعی پنج سال است ولی در مواردیکه برای ارتکاب جرم مذکور مجازات جنائی تعیین شده از درجه جنایت محسوب و قاعده مرور زمان جنائی بر آن جاری است

۱ - مبداء مرور زمان در جرم افتراء از روزی است که عدم توانائی اسناد دهنده از ثبات صحت امور منتسبه (ارتکاب جرم اکاذیب - عمل برخلاف حقیقت) معلوم شده است اعم از اینکه بین اسناد ارتکاب جرم تا زمان عدم توانائی مدتی فاصله شده باشد یا نه

۲ - مبداء مرور زمان در جرم گذاشتن یا مخفی کردن شیئی مظنونه در نزد دیگری تاریخ ثبوت برائت متهمی است که آن شیئی نزد او یافت شده ولو که فاصله بین گذاشتن شیئی و برائت متهم بیش از سه سال باشد زیرا این جرم پس از برائت متهم مذکور تماماً واقع میشود.

در خاتمه اشعار میدارد که برای تعقیب و صدور حکم مجازات مقرری نظر بمقام و شخصیت متهمین محاکم مختلفه صلاحیت دارند. در صورتیکه ممکن است برای رسیدگی به اصل اتهام که مورد اسناد شخص طرف مقابل بوده صلاحیت نداشته باشد باین کیفیت :

۱ - اگر شخص عادی ارتکاب جرم را بکسانیکه تابع دیوانحرب هستند نسبت داده و از ثبوت عاقد باشد با آنکه رسیدگی باصل اتهام باید در دیوانحرب عمل آید.

مقتری در محاکم عدلیه قابل تعقیب است و بالعکس

۲- اگر شخص عادی نسبت ارتکاب جرم بمأمور دولت بمناسبت انجام وظیفه او داده باشد. رسیدگی باهام مأمور مذکور داخل در صلاحیت دیوانعالی جزا یا محکمه اداری است در صورتیکه اگر مقتری از اثبات امر اسناد داده شده

عاجز باشد در محاکم عمومی تعقیب میشود (۳۵)

حسین کبیر

(۳۵) ماده ۱ (اصلاح شده در آذر ماه ۳۱۰)

از مواد مصوبه پنجم آذر ۱۳۰۸ بموجب ماده واحده ۳۰
آبان ۱۳۰۸

تصرف

یکی از مباحث مهمه که در قوانین مدنی ملل راقیه مورد توجه خاص میباشد موضوع تصرف است مناسفانه در غالب قوانین تعریفی از آن نشده و از این لحاظ قبلاً باید تعریف جامعی از آن شود.

تصرف بمعنی خاص عبارت است از تسلط ید بر عین مال اعم از منقول و غیر منقول و بمعنی عام عبارت از هر عملی است که کاشف از اجراء حق محتمله و محققه باشد.

پس با تلفیق معنی اعم و اخص میتوان تصرف را باین ترتیب تعریف کرد.

تصرف عبارت است از ذوالید بودن بر مالی منقول یا غیر منقول و انجام عملیاتی در آنها بنحویکه کاشف از استیفاء و اجراء حق واقعی یا ادعائی باشد.

انواع تصرف

در مقام اول تصرف بدو قسمت تقسیم میشود: تصرف مستقیم و تصرف غیر مستقیم.

تصرف مستقیم آنست که ذوالید مستقیماً بعین مال استیلا داشته باشد برعکس تصرف غیر مستقیم آنست که بین صاحب مال و خود آن يك یا چند واسطه موجود باشد مثلاً اقامت مالکین در خانه خود تصرف مستقیم بوده و واگذاری آن بمستأجر تصرف غیر مستقیم است.

در مقام ثانی تصرف باز بدو قسم است: تصرف مشروع و تصرف غیر مشروع.

تصرف وقتی مشروع است که از طرف قوانین مطاعه مدنی برای آن نباشد مثل تصرف مشتری بر مبیع و ورثه به متروکه مورث برعکس تصرف غیر مشروع است وقتی که قوانین که شخص تابع آنست آنرا برسمیت نشناخته و منع نماید مثل غصب و سرقت و نظائر آن.

بطور کلی قوانین تصرف را دلیل مالکیت قرار داده اند و با مراجع بمقائد علماء حقوق میتوان گفت که علت غائی اتخاذ این اصل مراتب آئیه است.

۱- اصولاً حفظ اسناد در مدتهای لایتنهای برای اشخاص و صاحبان اموال غیر مقدر بوده و چون غالباً اسناد استمداد زوان دارند اگر برخلاف این اصل تصمیمی اتخاذ شود نه تنها خلل بزرگی بر ارکان مالکیت بخصوص در قسمت منقول که اصلاً عادت بر تحصیل سند جاری نشده وارد خواهد کرد اساساً بهیچوجه متصرفین اموالیکه اسناد را دسترس نداشته باشند از تعرض سائرین مصون نبوده و در نتیجه انتظامات عمومی توازن و تعادل نخواهد داشت.

۲- اموال بیبسته قابلیت انتقال را دارند و باین ترتیب هر مالی ممکن است چندین ید بتسلسل (یکی از علل ناقله قانونی) سیر نماید اگر تصرف دلیل مالکیت نباشد اثبات ایادی سابقه از مبداء تا ید فعلی برای متصرف از لحاظ عدم امکان نگهداری اسناد غیر مقدر بلکه محال بوده و هیچ منطق یا قانونی امر محالی را با افراد تحمیل نمیکند.

۳- با فرض امکان نگهداری دلائل رسیدگی بآنها در مقام اختلاف عملاً اشکالاتی در بردارد مثلاً برای احراز صحت